مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی
سال دهم شماره‌های ۷ و ۸، مهر و آبان ۱۳۸۹، صفحات ۱۱۰- ۱۰۷

توصیه‌ای برای رهیافت هوشمندانه به مسائل در حال ظهور سیستم‌های مالکیت معنوی*

داگلاس سی نورث

ترجمه: ابوالفضل نجارزاده نوش‌آبادی[۱]

در حال حاضر چارچوبی که عملکرد یک سیستم سیاسی و سیستم‌های حقوق مالکیت معنوی و حق ثبت اختراع تکامل یافته را بررسی کند وجود ندارد.همچنین یک مبنای تئوریکی برای اظهار نظرهای پیشگویانه که منجر به بهبود عملکرد سیستم‌های حقوق مالکیت و حق ثبت اختراع گردد، موجود نیست. چارچوب نظریه اقتصادی نئوکلاسیک بسیار مفید و مطابق با موضوع مورد بررسی است، اما نمی‌تواند عملکرد یک سیستم در حال تحول را توصیف نماید. اگر بخواهیم شناختی از عملکرد سیستم‌های حق ثبت اختراع بدست آوریم به سادگی نمی‌توان به شناخت اقتصادی از سیستم‌های حق ثبت اختراع اعتماد کرد، در این‌صورت باید یک ساختار مشخصی که افراد را برای خلق نوآوری‌ها و یافتن راه حل‌ها برای حل مشکلات دشوار و جدیدی که در طول زمان متحول می‌شوند، وجود داشته باشد. آنچه ما بطور ایدآل می‌پسندیم، داشتن یک ساختار کارای انطباقی در دنیای پویاست که تغییرات در نظام‌های اقتصادی و سیاسی موجود در آن در حال وقوع می باشند.

واژه‌های کلیدی: مالکیت معنوی، ساختار اقتصادی،ساختار سیاسی.

---

* این متن ترجمه این منبع است:

North,Douglass,C. (2009), "A Recommendation on How to Intelligently Approach Emerging Problems in Intellectual Property Systems", *Review of low &Economics* ,Vol. 5, Iss. 3, Article 9.

۱.کارشناس ارشد علوم اقتصادی. a.najarzadeh@basu.ac.ir

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-14]

۱. مقدمه

امروزه حق ثبت اختراع و کپی‌رایت‌ها بیشتر از آنکه توسعه اقتصادی را سرعت ببخشند منجر به حفاظت بیشتر از انحصارات می‌شوند. زمانی‌که حقوق ثبت اختراع در قرن پانزدهم میلادی در ونیز و پس‌ازآن در انگلیس شناخته شد حقوق مالکیت به صورت کامل مشخص نشده بود و در آن زمان شناخت ناقصی از چگونگی عملکرد سیستم سیاسی وجود داشت. در نتیجه سیستم‌های حق ثبت اختراع در یک سیستم آشفته با تغییرات پایدار تکامل یافتند. آنچه اکنون در خصوص حقوق مالکیت معنوی اتفاق افتاده، قوانینی است که در یک ساختار ماهرانه گسترش یافته به‌صورتی که سیستم‌های حقوق مالکیت معنوی همواره نسبت به حالت اولیه خود در حال تغییر هستند تا ازاین طریق به هدف اصلی خود که همان تشویق نوآوری می‌باشد، دست یابند.

امروزه برخی از دانشمندان به‌ویژه مایکل بولدرین و لوین[1] تلاش می‌کنند این داستان را در غالب موضوع تکامل پیش ببرند. دیگران از جمله خود من در خصوص اهمیت رعایت حقوق مالکیت به عنوان مشوقی برای نوآوری در تاریخچه حقوق مالکیت مطالبی نوشته‌اند. البته همیشه برای انحصار بیشتر نیز مشوق‌هایی وجود داشته است، اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد درون یک سیستم مالکیت معنوی، مشوق برای نوآوری که باعث افزایش ثروت جامعه می‌شوند همواره راهی برای تشویق انحصارها هستند. سیاست‌های این‌چنینی اثر منفی روی تولید و مازاد مصرف کننده دارند. برای ذکر این تناقض، آنها حکم قانون اساسی برای سیستم‌های حق ثبت اختراع و کپی رایت را که عبارتست‌از "تشویق پیشرفت علم و هنرهای مفید" را مطرح می‌کنند.

این چارچوب با مشکلاتی مواجه است که من بر دو شرطی که مرتبط با این موضوع است تمرکز می‌کنم. در ابتدا نا اطمینانی از نوآوری، برای اینکه مشوق‌هایی برای نوآوری نه برای انحصارهای دائمی فراهم کنیم می‌بایست راه‌های تصمیم‌گیری در این بازی را بطور مداوم تغییر دهیم. دومین مورد یک موضوع سیاسی است که ایده‌آل‌های مورد نظر در جهان در حال تحول است که در آن برای رسیدن به یک ساختار کارای منطبق هر دو سیستم سیاسی و اقتصادی تغییر می‌کنند. به این معنا که در تدوین قانون و سیاست نباید سیستم یکسانی که پیش از این کار شده، برای آینده مورد استفاده قرارداد. براین اساس، می‌بایست مشوق‌هایی را که برای تشویق مردم به نوآوری و تغییر راه‌حل‌ها به‌منظور حل مسائل جدید که در طول زمان در حال تحول هستند را گسترش دهیم. این نوع از کارایی‌های تطبیقی مشخص شده‌اند به عنوان مثال در سراسر اقتصاد

1. Boldrin & Levine

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-14]

امریکا (هرچند کاملاً روشن نیست) زمانی‌که مشکلاتی با راه حل‌های ناشناخته رخ می‌دهند، از طریق انجام آزمایش و خطا سعی می‌شود راه حلی برای مشکلات پیدا شود. در واقع در آنجا هر دو آزمایش وجود دارد.خلق راه‌های جدید برای انجام کارها و راه‌حل‌هایی برای معاملاتی که با اشتباه همراه است مانند قوانین ورشکستگی. اگر هردو آنها موجود نباشد با مشکلاتی مشابه با آنچه در کشورهای جهان سوم وجود دارد، مواجه خواهیم شد.

۲.سه حوزه‌ای که نیاز به بهبود دارند

به منظور اشاره به نگرانی‌های مطرح شده در مطالب فوق، در اینجا به سه حوزه از رویکرد کلی که من به آنها معتقدام و در مورد آنها بررسی‌هایی صورت گرفته است و نیاز به بهبود دارند، اشاره می‌شود. در ابتدا برای شروع هوشمندانه در خصوص موضوع حقوق مالکیت، درک بهتر علوم شناختی است. اگر برای شناخت جهان اطرافمان تلاش کنیم این شناخت از طریق چشم، گوش، بینی و احساسمان صورت می‌گیرد. در واقع، ما آنچه را که از درون مغزمان دریافت می‌کنیم ترجمه می‌کنیم. سازه مغز ما به‌عنوان یک توضیح دهنده (مفسر) از جهان اطراف ما می‌باشد. این موضوع برای علوم شناختی(به عنوان یک ماده در واقعیت) که مبتکر آن فردریش‌هایک بود، مطرح شد. هایک در سال ۱۹۹۰ زمانی که دانشجوی کارشناسی ارشد بود نگرشی از چگونگی شناخت ما از جهان اطرافمان بوجود آورد. وی نقش بسزایی در فراهم کردن چارچوبی برای این شناخت ایفا کرد، اما شناخت ما ناقص است. راه ما ساختن یک تفسیر از جهان ذهنی می‌باشد. این تفسیر بازتابی از تجربیات ما می‌باشد که به چارچوب مغزمان ما برای شکل‌گیری ایده‌ها بر می‌گردد. ما به منظور پیشرفت بیشتر، از نگاه به راهی که در آن توضیحاتمان را بنا می‌سازیم آغاز می‌کنیم.

ساختار توضیحات در ابتدا از طریق ساختن یک ساختار سیاسی ایجاد می‌شود. ساختار سیاسی قوانینی از بازی است که توسط حکومت از آن دفاع می‌شود که آن نیز به نوبه خود قوانین اقتصادی به‌ویژه حقوق مالکیت را ارائه می‌کند. بنابراین، اگر بخواهیم نسبت به حقوق مالکیت و سیری که آنها ایجاد شده‌اند شناخت پیدا کنیم می‌بایست راهی که سیستم سیاسی ایجاد کرده به‌ویژه ساختار حقوق مالکیت که در آن وجود دارد را بشناسیم. به‌عنوان مثال، فردی که بدون حمایت یک حزب درباره حقوق مالکیت از جمله حق ثبت اختراع فعالیت داشته باشد، وجود نخواهد داشت. این پیامدها به این دلیل است که ساختار حقوقی مرتبت بر حقوق مالکیت معنوی درابتدا از تعامل بین تمام اعضای جامعه شکل گرفته است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-14]

بر این اساس، تغییر دوم ساختن نگرش کلی در خصوص شناخت است که به این شرح است: اگر بخواهیم چگونگی عملکرد سیستم‌های حق ثبت اختراع را بشناسیم بسادگی نمی‌توانیم بر شناخت اقتصادی از حقوق مالکیت معنوی اتکا کنیم. همچنین باید سیاست‌هایی که در مورد سیستم‌های حق ثبت اختراع چگونگی شکل‌گیری و چگونگی سازماندهی افراد و بازسازی آنها به منظور قادر شدن آنها برای بهره‌برداری از منافع را بشناسیم.

درحال حاضر چارچوب فعالیت ما کاملاً روشن نیست. مدل کامل آنهایی هستند که چگونگی کارکرد اقتصاد را بیان کنند که در این سیستم سیاسی چیزی شبیه این مدل‌های ایده‌آل موجود نیست. در نتیجه چارچوبی برای شناخت واقعی از چگونگی عملکردهای سیستم سیاسی و همچنین چگونگی تکامل حقوق مالکیت و حق ثبت اختراع وجود ندارد. بر این اساس. می‌توانیم چگونگی تکامل یافتن آنها را مشاهده کنیم و در مورد آنها داستان‌هایی را نیز بیان کنیم. به هر حال مجموعه‌ای از نظریه‌ها را که اجازه اظهار نظرهای پیش گویانه را می‌دهد و که منجر به بهبود عملکرد حقوق مالکیت و سیستم‌های حق ثبت اختراع می‌گردد را در دسترس نداریم.

سومین و نکته پایانی این است که رویکرد موجود فاقد مجموعه مدل‌هایی است که برای شناخت جهان پویا لازم است. چارچوب نظریه اقتصادی نئوکلاسیک‌ها مفید است اما این نظریه‌ها نمی‌تواند سیستم در حال تحول را شرح دهد. به‌عنوان مثال، جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، بدیهی است جهان در حال تکامل است و لذا شناخت مسائلی که باعث شده، ساختار و عملکرد بازی‌های دیروز برای امروز و فردا کارا نباشد مهم است.بنابراین، با این واقعیت مواجه هستیم که یک سیستم پویا به این معنا است که باید شناخت پیدا کنیم نه تنها به مکانی که در آن هستیم بلکه نسبت به مکانی که خواهیم رفت.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهند که برای شناخت عملکرد سیستم‌های مالکیت معنوی ۳ حوزه نیاز به بهبود دارند. اولین حوزه، شناخت ساختار سیاسی است که قوانین مالکیت معنوی با توجه به این ساختار شکل گرفته‌اند. دوم اینکه برای بررسی مالکیت معنوی ما نمی‌توانیم صرفاً به شناخت اقتصادی از حقوق مالکیت معنوی اتکا کنیم بلکه برای بررسی این موضوع باید از مدل‌هایی که تمام عوامل موثر بر مالکیت معنوی را شامل می‌شوند، استفاده کرد و سوم اینکه برای بررسی عملکرد سیستم مالکیت معنوی باید از مدل‌هایی پویا استفاده گردد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-14]